



بررسی ضرورت افشاء وجود قرارداد تأمین مالی داوری بین‌المللی توسط شخص ثالث و لزوم صیانت از افشاء سایر اطلاعات
محمد مهدی اسدی

کیفیات مشدده جرم در حقوق کیفری ایران

محمد کمالی، محمدباقر بصیر

مبانی حقوق طبیعی جان لاک و تاثیر آن در کنوانسیون حقوق کودک

محمد مهدی داور، سعیده تسلیمی

قضازدایی؛ نگرشی برای پیشگیری از پایداری بزهکاری نوجوانان

محمد جوان‌بخت، پریسا کریمی، محدثه صادقیان لمراسکی

بررسی مفهوم دارنده سند تجارتي

سارا فرزادی مهر، شاپور محمدحسینی، محمدرضا حقیقی

تأثیر سبک زندگی اسلامی در پیشگیری از جرایم یقه سفیدها: بررسی فقهی و حقوقی

مریم کمائی، زهرا انصاری فر، پیتر گاتسچالک

روش‌های حل و فصل اختلافات در قراردادهای فیدیک

آرمان یعقوبی مقدم، محمد غلام پور ویشکائی، محمد یارارشدی

واکاوی سیر تکوینی پدیده مجرمانه نسل‌کشی در بستر تاریخی

محمد جوان‌بخت، مینو محمدی، کیومرث کلانتری درونکلا

نقش قاضی اجرای احکام کیفری در بازدارندگی و فردی کردن مجازات

زهرا نظری

نقد و ارزیابی مسئولیت‌مدیران در قبال بدهی‌های مالیاتی شرکت بر اساس لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت و قانون مالیات‌های مستقیم

نیما رضائی، محمد شجاعی فر، امیرحسن ابوالحسنی

جرایم مالیاتی با دیدگاه کیفر شناختی در حقوق ایران

سیده فائزه فاطمی

مرجع صالح و عنوان خواسته در دعاوی ملی شدن اراضی

مسلم اله یاری

چالش‌های اجرایی دفاتر حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان با محوریت نقش دادیار

سید مهدی احمدی، نسترن ارزانیان

مسئولیت زیست محیطی شرکت‌های چندملیتی در صنعت نفت با تأکید بر اصل «پرداخت آلوده‌ساز»

هادی مسعودی فر، فاطمه نعیمی شامل

تأثیر عدالت ترمیمی و سیاست جنایی بر بزه‌دیدگی جنسی اطفال (از حمایت تا بازپروری)

سید حسین دهقان نیری، مریم مسافری

حق تعیین سرنوشت به مثابه یکی از حقوق بنیادین بشر در خصوص اشخاص تراجنسیتی (با تأکید بر دادنامه صادره از شعبه

سیزدهم دادگاه تجدیدنظر استان مازندران)

محمدسعید حسینی، حشمت رستمی درونکلا، محمد مهدی ساکی، فاطمه دهقان، عباس رضایی گیلانی

حمایت از حقوق فرهنگی زندانیان در اسناد بین‌المللی، منطقه‌ای و نظام حقوقی ایران

مرجان نگهی مخلص آبادی

تحلیل نظام حقوق مالیاتی حاکم بر شرکت‌های تجاری

پریسا رضوان، علی زارع

کرامت انسانی در حقوق کیفری و اسناد بین‌المللی

محمدامین ابراهیمی

نقش اموال تملیکی دولت در پیشبرد اهداف اقتصادی: تحلیل قوانین و بررسی موانع و راهکارها

الهام درکی، آپدا مخترع، بهنام رستگاری

موضوعیت و ادله اثبات جرم در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

صادق بنی طرفیان حویبزاوی

سیاست کیفری افتراقی قانون نیروهای مسلح در قبال فروش اموال و اشیای نظامی

یاسر شاکری



Subjectivity and Proof of Crime in the Islamic Penal Code Approved in 2012

موضوعیت و ادله اثبات جرم در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

Sadegh Banitarafian Havizavi
Master's student in criminal law and criminology, Islamic Azad University, Shiraz Branch, Shiraz, Iran

صادق بنی‌طرفیان حویزایی
دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز، شیراز، ایران

amin.moradi9049@gmail.com

Abstract

Evidence to prove a crime is a set of elements that are used in judicial authorities to prove a claim. Article 166 of the Constitution says in these cases: Court rulings must be documented based on legal articles and principles, and the ruling was issued on the basis of that ruling. An important role Presenting the reason and its relevance in legal issues and dealing with judicial cases in the courts is of great importance, which has been discussed in the proofs of the lawsuit. The importance of the relevance of the reason in the civil procedure is as far as it is said "right without reason, It is like a commodity with no value" and "it is proof that revives the right". But the important question that is raised in this regard is what is the issue of evidence in proving a lawsuit? In order to determine the issue of reason, the question must first be answered, what is proved by reason? In order to answer this question, in this research, we will investigate the subjectivity and proofs of the crime in the Islamic Penal Code approved in 2013 using a descriptive-analytical method and based on library sources. The findings of this study show that in Iranian criminal law, evidence is the subject of the Islamic Penal Code of 2012, and according to it, the judge is required to issue a sentence based on it.

Keywords: Proof of Crime, Objectivity, Islamic Penal Code.

چکیده

ادله اثبات جرم مجموعه وسایلی است که در مراجع قضائی جهت اثبات دعوی مورد استفاده قرار می‌گیرد و اصل یکصد و شصت و ششم قانون اساسی در این موارد می‌گوید: احکام دادگاه‌ها باید مستند مستدل به مواد قانون و اصولی باشد همچنین براساس آن حکم صادر شده است. نقش مهم ارائه دلیل و موضوعیت داشتن آن در مسائل حقوقی و رسیدگی به پرونده‌های قضایی در دادگاه‌ها واجد اهمیت فراوانی است که در ادله اثبات دعوا به آن پرداخته شده است. اهمیت موضوعیت دلیل در آیین دادرسی مدنی تا بدان جا است که گفته شده حق بدون دلیل مانند کالای بدون ارزش است و دلیل است که حق را زنده می‌کند. اما سوال مهمی که در این خصوص مطرح می‌شود آن است که موضوع دلیل در اثبات دعوا چیست؟ برای مشخص کردن موضوع دلیل، ابتدا باید به این پرسش پاسخ داده شود که چه چیزی با دلیل اثبات می‌شود؟ برای پاسخ دادن به این سوال، در این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و براساس منابع کتابخانه‌ای به بررسی موضوعیت و ادله اثبات جرم در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ خواهیم پرداخت. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در حقوق کیفری ایران موضوعیت ادله است که قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به آن تصریح کرده و طبق آن قاضی ملزم به صدور حکم براساس آن می‌باشد.

واژگان کلیدی: ادله اثبات جرم، موضوعیت، قانون مجازات اسلامی.

ارجاع:

بنی طرفیان حویزای، صادق؛ (۱۴۰۲)، موضوعیت و ادله اثبات جرم در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، تمدن حقوقی، شماره ۱۷.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY NC SA



مقدمه

ادله اثبات جرم کیفری که یکی از مهم‌ترین موضوعات دادرسی است تحولات چشمگیری یافته است. اقرار و شهادت در طول تاریخ در اثبات جرائم نقشی غیرقابل انکار و اساسی را به خصوص در دوره دلائل قانونی داشته است. اقرار و شهادت در مواقعی که با تهدید و شکنجه با اغوا و اگره گرفته شده باشد کم کم اعتبار کامل خود را از دست می‌دهند، به طوری که از دوره دلائل قانونی گذر کرده و دوره اقتناع وجدانی قاضی یا دلائل معنوی مطرح می‌شود. پیشرفت علم و فناوری در عرصه‌های مختلف همه ابعاد زندگی انسان را تحت تأثیر قرار داده است، علم از جمله روان‌شناسی، جرم و جنایت و همچنین علوم آزمایشگاهی در قوه قضائیه نفوذ کرده است. هرچند این روش هنوز به اندازه کافی جایگاه خود را نیافته است اما با کوشش‌هایی که انجام می‌گیرد و جایگاه اصلی خود را به دست خواهد آورد.

با وجود این که موارد اثبات دعوی هم در فقه و هم در قانون در برخی موارد، به صورت حصری بیان شده است، احتمال دارد این امر به ذهن متبادر شود که نشان‌دهنده حالت انحصاری ادله اثبات باشد. ولی با دقت به بیان علم قاضی در شمار ادله اثبات دعوی در ماده ۱۶۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و معنای علم قاضی در فقه شیعه که چیزی است فراتر از آنچه از راه شهادت و اقرار حاصل شود. به این معنا که منابع حصول علم قاضی منحصر در امور خاصی نیست، خود به خود قید حصری بودن ادله اثبات را خواهد زد. پژوهش حاضر به صورت توصیفی-تحلیلی بوده و اطلاعات آن با روش کتابخانه‌ای و اسنادی گردآوری شده است. با توجه به بنیان‌های نظری قانون‌گذار و تأثیرپذیری قانون و رویه قضایی از آن، ادله اثبات جرم در قانون مجازات اسلامی اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بررسی خواهد شد.

۱- مفهوم دلیل

ادله، جمع مکسر دلیل و جمع دیگر دلالت دلایل یا دلائل است. معنای تحت اللفظی دلیل، راهنما است. در اصطلاح حقوق، دلیل عاملی برای اثبات حقیقتی است که مورد انکار قرار می‌گیرد. هر چند در قانون مدنی یک جلد به شرح ادله اثبات دعوی اختصاص داده است اما تعریفی از دلیل ذکر نشده است. تعریف دلیل در آئین دادرسی مدنی به این صورت است که دلیل امری است که اصحاب دعوی به آن استناد می‌کنند تا دعوی را اثبات یا دفاع نمایند. در امور جزائی بیشتر می‌گویند دلیل نوری است که قاضی را برای کشف حقیقت راهنمایی می‌کند به این خاطر دلیل زبان قانون معنی محدودی دارد و بیشتر کاربرد آن در دادگاه است و زمان تجلی و ظهور آن هنگام دفاع و دعوی است. دلیل در یک معنی وسیع نگهدارنده و حافظ حق شناخته می‌شود (خالقی، ۱۳۹۰، ۴۰۵). صرف نظر از این که دعوی اقامه شده و از دلایل استفاده شده است یا خیر و در نهایت به تعریف دلیل می‌رسیم که می‌گوید دلیل، مبنای علم و اطمینانی است که قاضی هنگام اثبات تقصیر دارد. مجموع ابزارهایی که قاضی برای تشخیص وقوع جرم و تشخیص آن استفاده می‌کند. ت.

۲- مفهوم اثبات

در معنای اقامه و اثبات وجود چیزی، اثبات مستلزم برهان است. ثبوت تحقق چیزی در مرحله بالفعل است و اثبات تحقق چیزی در مرحله استدلال. هر صاحب حقی باید مدرکی داشته باشد که بتواند در هر زمانی حق مرحله اثبات را داشته باشد، هر حقی نیاز به قدرت اثبات دارد، اگر امکان اثبات حق وجود نداشته باشد ممکن است رعایت نشود. در تحقیقات و بازجوئی‌ها و رسیدگی دادگاه وقوع جرم و انتساب آن به شخص متهم باید اثبات شود. در امور جزائی همچون امور مدنی دلیل ابزار اصلی صاحب حق است. دارنده واقعی حق اگر حقی در معرض انکار قرار گیرد باید با دلیل آن را اثبات کند و اگر دلیل نداشته باشد مانند کسی است که اصلاً حق ندارد. اگر مبلغی وام دادید ولی دلیلی بر اثبات نداشتید در مرحله ثبوت حق هستید ولی در مرحله اثبات عاجزید که آن را بنمایاند. همین طور ممکن است حقی در مرحله ثبوت نباشد ولی کسی بتواند با اتکاء به دلیل آن را اثبات کند. طلبکاری که طلب را دریافت می‌نماید ولی رسیدی ندهد و سند طلب را همچنان نزد خود نگهدارد و مجدداً به استناد آن مطالبه نماید نموداری از کاربرد دلیل برخلاف حق است. در آئین دادرسی کیفری هم دلیل برای اثبات وقوع جرم و شناسائی مجرم نقش اول را دارد. احراز وقوع جرم با دلیل ممکن است احراز ارتکاب آن جرم از جانب شخص معین هم دلیل لازم دارد. وقوع جرم یک موضوع است مشخص کردن مجرم موضوع دیگری.

۳- موضوعیت داشتن دلیل

موضوع دلیل در ادله اثبات دعوا، امور موضوعی است. زیرا فرض بر آن است که دادرس امور حکمی (قانون) را می‌داند. این که گفته می‌شود «شما موضوع را ثابت کن؛ دادرس قانون را می‌داند»، قاعده مهم مزبور را تبیین می‌نماید. بنابراین، مدعی به مفهوم عام آن (اعم از خواهان دعوا یا خوانده)، باید اعمال حقوقی (عقد، ایقاع یا قرارداد) یا وقایعی (اتلاف، غصب و استیفاء) که بر پایه آن‌ها حسب مورد خود را حق دار یا رقیب را بی‌حق می‌داند، اعلام و در صورت لزوم با دلیل اثبات نماید. برای نمونه در دعوایی که به خواسته محکومیت خوانده به پرداخت مبلغی پول دریافتی اقامه شده است، خواهان باید ادعا کند مبلغ مزبور را به خوانده داده است. در مقابل، خوانده نیز اگر مدعی است مبلغ گرفته شده یا بخشی از آن را پس داده است، باید این دلیل را در دادگاه اثبات کند. در مقابل، امور حکمی یا قانونی یعنی پی بردن به قانونی که بر آن موضوع حاکم است، به عهده دادرس می‌باشد و طرفین دعوا تکلیفی به پیدا کردن و استناد به قانون مربوط ندارند.

۴- موضوع دلیل امور انکار شده

موضوع دلیل در ادله اثبات دعوا و در حقوق، امور انکار شده است. یعنی این که مدعی در اجرای تکلیف خود نسبت به امور موضوعی در نخستین گام باید امری که به او حق می‌دهد را اعلام کند بدون آن که نیاز به آوردن دلیل باشد. به عنوان نمونه، در دعوی مطالبه ثمن یا قیمت کالای فروخته شده، باید اعلام کند که مالی را به فلان قیمت به طرف مقابل فروخته است (آشوری، ۱۴۰۰، ۸۹). در گام نخست، دلیلی مطرح نمی‌شود زیرا در حقوق و ادله اثبات دعوا، دلیل در صورتی مورد نیاز است که نسبت به امری اختلاف وجود داشته باشد تا با اقامه دلیل، در دادرس علم ایجاد کند و موضوع ثابت شود. بنابراین، دلیل در صورتی لازم می‌شود که امر ادعا شده (در این مثال، فروش مال یا مقدار قیمت) مورد انکار طرف مقابل قرار گرفته باشد. البته چون معمولاً طرف مقابل صحت ادعا را انکار می‌کند، مدعی معمولاً پیش از آن که رقیب آن امر را انکار کند، دلایل خود در اثبات امور را ارائه می‌دهد اما منطقی ایجاب می‌کند که دلیل آوردن پس از انکار طرف مقابل باشد (آخوندی، ۱۳۹۰، ۱۱۲). برای اثبات هر امری مدعی باید دلیلی ارائه دهد و ادعای خود را با دلیل اثبات نماید، هم در دعوی کیفری و هم در دعوی حقوقی. بنابراین برای اثبات جرم در دعوی کیفری باید دلایلی ارائه دهند تا جرم ثابت شود در غیر این صورت اصل بر عدم وجود جرم است.

۵- نظام حاکم بر ادله اثبات جرم

ارزش ادله در حقوق کیفری با توانایی آن در اثبات وجود جرم مشخص می‌شود، زیرا تا اثبات منشأ جرم، نیازی به صحبت از مسئولیت کیفری نیست. بنابراین اثبات جرم بر عهده اوست و وقتی قدرت «دلیل بودن» را از دست داد که نمی‌تواند در این موضوع به وظیفه خود عمل کند و دادگاه نمی‌تواند براساس آن تصمیم بگیرد. در اینجا می‌توان گفت اگر ظاهر قضیه و اوضاع و احوال نشان دهد که دلیل معقول و محکم است و دادگاه براساس آن حکم می‌کند، اما دلیل از اساس بی‌اعتبار است، در این صورت دلیل است. آیا تصمیم دادگاه که براساس آن بوده است اعتبار خود را از دست می‌دهد؟ به نظر می‌رسد پاسخ این سوال مثبت است و حکم صادره به همین دلیل به موقع اجرا نمی‌شود و در صورت اجرای آن باید به نحوی لغو شود. اساساً بطلان علت ممکن است به دلیل عدم تمایل به اقرار، شهادت دروغ و مانند آن باشد.

۶- ادله اثبات دعوی و انواع آن در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

در ماده ۱۹۴ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ دلیل عبارت از امری است که جهت دفاع یا اثبات دعوا اصحاب دعوا به آن استناد می‌نمایند. براساس ماده ۱۲۵۷ قانون مدنی هر کس مدعی حقی باشد باید آن را اثبات کند و مدعی علیه هرگاه در مقام دفاع مدعی امری شود که محتاج به دلیل باشد اثبات امر بر عهده او است. در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تعریفی از ادله اثبات ارائه نشده است و مبحث مستقلی هم در ارتباط با ادله اثبات دعوی کیفری وجود ندارد و راه‌های ثبوت تحت عنوان ادله اثبات دعوی در بخش جرایم حدی، قصاص و دیات مطرح شده است. بنابراین در ماده ۱۶۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قانون‌گذار ادله‌های اثبات دعوی کیفری را بیان نموده است ادله اثبات جرم عبارت از اقرار، شهادت، قسامه و سوگند در موارد مقرر قانونی و علم قاضی است.

۶-۱- اقرار

طبق ماده ۱۶۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: اقرار عبارت است از اخبار شخص به ارتکاب جرم از جانب خود. اقرار نوعی خبر دادن به ارتکاب جرم است که توسط خود شخص بیان می‌شود. خبر امکان دارد صدق یا کذب باشد در صورتی که کذب اقرار در نزد قاضی اثبات شود اقرار بی‌اثر خواهد بود.

۱-۶-۱- حجیت اقرار

این ادله در راس ادله‌های دیگر قرار دارد و از حجیت بالایی برخوردار است. طبق ماده ۲۰۲ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ هرگاه کسی اقرار به امری نماید که دلیل ذی حق بودن طرف او باشد، دلیل

دیگری برای ثبوت آن لازم نیست. اما در امور کیفری این گونه نیست و امکان دارد شبهه به وجود آید که اقرار مورد قبول قاضی نباشد و باید ادله دیگر مانند گزارش پزشکی قانونی، بازسازی صحنه و... نیز مورد بررسی قرار گیرد. بنابراین در ماده ۱۷۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قانونگذار این گونه بیان نموده است که هرگاه متهم اقرار به ارتکاب جرم کند، اقرار وی معتبر است و نوبت به ادله دیگر نمی‌رسد، مگر این که با بررسی قاضی رسیدگی کننده قرائن و امارات برخلاف مفاد اقرار باشد که در این صورت دادگاه، تحقیق و بررسی لازم را انجام می‌دهد و قرائن و امارات مخالف اقرار را در رای ذکر می‌کند.

۲-۶-۱- تفاوت اقرار در دعاوی کیفری و دعاوی مدنی

در دعاوی کیفری رجوع از اقرار وجود دارد ولی در دعاوی کیفری رجوع از اقرار وجود ندارد. طبق ماده ۱۷۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ انکار بعد از اقرار موجب سقوط مجازات نیست به جز در اقرار به جرمی که مجازات آن موجب رجم یا حد قتل است که در این صورت در هر مرحله، ولو در حین اجراء، مجازات مزبور ساقط و به جای آن در زنا و لواط صد ضربه شلاق و در غیر آن‌ها حبس تعزیری درجه پنج ثابت می‌گردد. اقرار در امور کیفری مانند زنا و قصاص منوط به ادله دیگر می‌باشد ولی در امور مدنی این گونه نیست و اقرار قاطع دعوی می‌باشد. در دعاوی کیفری گاهی اقرار بعد از اقرار اثر اقرار قبل یا بعد را تغییر می‌دهد و یا منتفی می‌نماید بنابراین طبق ماده ۴۸۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ هرگاه کسی اقرار به جنایت موجب دیه کند سپس شخص دیگری اقرار کند که مرتکب همان جنایت شده است و علم تفصیلی به کذب یکی از دو اقرار نباشد مدعی مخیر است فقط از یکی از آن دو مطالبه دیه کند. در امور کیفری بر عکس امور مدنی، توبه بعد از اقرار مسقط مجازات خواهد شد.

۳-۶-۱- کیفیت اقرار

اقرار باید قاطع و یقین باشد و مشکوک نباشد. اقرار با اوضاع احوال پرونده، قرائن و شواهد باید منطبق باشد. اقرار باید صریح و بدون ابهام باشد. اقرار معلق و مشروط نباشد. اقرار باید با لفظ باشد و در صورت تعدر، اقرار با فعل، اشاره و نوشته همراه باشد.

۴-۶-۱- شرایط اقرار

طبق ماده ۱۶۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اقرار در صورتی نافذ است که اقرارکننده در حین اقرار، عاقل، بالغ، قاصد و مختار باشد. همچنین اقرار اشخاص سفیه که حکم حجر آن‌ها صادر شده و شخص ورشکسته نسبت به امور کیفری نافذ است اما نسبت به ضمان مالی جرم معتبر نیست.

۲-۶- شهادت

در ماده ۱۷۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ شهادت این گونه تعریف شده است که شهادت عبارت از اخبار شخصی غیر از طرفین دعوی به وقوع یا عدم وقوع جرم توسط متهم یا هر امر دیگری نزد مقام قضائی است. طبق ماده ۱۷۵ قانون فوق شهادت شرعی آن است که شارع آن را معتبر و دارای حجیت دانسته است اعم از آن که مفید علم باشد یا نباشد.

۱-۲-۶- شرایط شاهد شرعی

اول- بلوغ: طبق ماده ۱۷۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ هرگاه شاهد در زمان تحمل شهادت، غیربالغ ممیز باشد، اما در زمان ادای شهادت به سن بلوغ برسد، شهادت او معتبر است. دوم- عقل: بنابر ماده ۱۷۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ شهادت معنون ادواری در حال افاقه پذیرفته می شود مشروط بر آن که تحمل شهادت نیز در حال افاقه بوده باشد. سوم- عدالت: از شرایط مهم شهادت می باشد. در ماده ۱۸۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ عدالت این گونه بیان شده است: عادل کسی است که در نظر قاضی یا شخصی که بر عدالت وی گواهی می دهد، اهل معصیت نباشد. شهادت شخصی که اشتها به فسق داشته باشد، مرتکب گناه کبیره شود یا بر گناه صغیره اصرار داشته باشد تا احراز تغییر در اعمال او و اطمینان از صلاحیت و عدالت وی، پذیرفته نمی شود. چهارم- عدم وجود خصومت با طرفین یا یکی از آنها بنابراین طبق ماده ۱۷۶ قانون فوق در صورتی که شاهد واجد شرایط شهادت شرعی نباشد، اظهارات او استماع می شود. تشخیص میزان تأثیر و ارزش این اظهارات در علم قاضی در حدود اماره قضائی با دادگاه است. پنجم- ولگرد نبودن: طبق ماده ۷۱۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ شهادت فرد ولگرد مورد قبول نیست.

۲-۲-۶- رابطه سببیت و نسبیت در شهادت

طبق تبصره ماده ۳۲۲ آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ رابطه خادم و مخدومی و قرابت نسبی یا سببی مانع از پذیرش شهادت شرعی نیست.

۳-۲-۶- جرح و تعدیل شهود

ماده ۱۹۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ جرح و تعدیل شهادت را این گونه تعریف کرده است: شاهد شرعی قابل جرح و تعدیل است. جرح شاهد عبارت از شهادت بر فقدان یکی از شرایطی که قانون برای شاهد شرعی مقرر کرده است. تعدیل شاهد عبارت از شهادت بر وجود شرایط مذکور برای شاهد شرعی است.

۴-۶-۲- زمان جرح شهادت

جرح شاهد باید پیش از ادای شهادت به عمل آید مگر آن که موجبات جرح پس از شهادت معلوم شود که در این صورت جرح تا پیش از صدور حکم به عمل می‌آید و در هر حال دادگاه مکلف است به موضوع جرح رسیدگی نماید.

۵-۶-۲- تعداد شهود

در کلیه جرایم نصاب شهادت دو مرد می‌باشد، مگر در جرایم زیر که با شهادت چهار مرد مورد قبول است: لواط، تفخیز، مساحقه و زنا. در زنا مستوجب حد با شهادت چهار مرد و یا دو مرد عادل به انضمام چهار زن عادل ثابت می‌شود. زنا موجب رجم و قتل با شهادت چهار مرد و یا سه مرد به انضمام دو زن عادل ثابت می‌شود البته این نوع از زنا با شهادت دو مرد و چهار زن نیز اثبات می‌شود اما مجازات آن فقط حد جلد است. جنایات موجب دیه با شهادت یک مرد و دو شاهد زن قابل اثبات است.

۶-۳- سوگند

سوگند گواه قراردادن خداوند بزرگ بر درستی گفتار اداکننده آن است. طبق ماده ۱۶۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ یکی از ادله‌های اثبات دعوی کیفری سوگند می‌باشد اما مانند ادله دیگر برای اثبات کلیه جرایم دلیل نمی‌باشند. حدود و تعزیرات با سوگند قابل اثبات نمی‌باشند. سوگند تابع قاعده البینه علی المدعی و الیمین علی من منکر نیست زیرا طبق این قاعده در امور حقوقی بار اثبات ادعا بر دوش مدعی است و در صورتی که مدعی از ارائه دلیل عاجز باشد، مدعی علیه که منکر دعوی است برای براءت ذمه خود سوگند یاد می‌کند. اما در امور کیفری شاکی و مدعی خصوصی مبادرت به اتیان سوگند می‌نمایند و سوگند به تنهایی مثبت دعوی نمی‌باشد و طبق ماده ۲۰۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ حدود و تعزیرات با سوگند نفی یا اثبات نمی‌شود لکن قصاص، دیه، ارش و ضرروزیان ناشی از جرائم، با سوگند اثبات می‌گردد. ابتدا شاهد و یا شهود شهادت می‌دهند، سپس مدعی یا شاکی ادای سوگند می‌نماید.

ماده ۳۱۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قسامه را این گونه تعریف نموده است: قسامه عبارت از سوگندهایی است که در صورت فقدان ادله دیگر غیر از سوگند منکر و وجود لوٹ، شاکی برای اثبات جنایت عمدی یا غیر عمدی یا خصوصیات آن و متهم برای دفع اتهام از خود اقامه می‌کند. تعریف لوٹ در ماده ۳۱۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: لوٹ عبارت از وجود قرائن و اماراتی است که موجب ظن قاضی به ارتکاب جنایت یا نحوه ارتکاب از جانب متهم می‌شود.

۵-۶- علم قاضی

۵-۶-۱- تعریف علم قاضی

در لغت به معنی دانش و آگاهی است و در اصلاح فقهی به معنی اطمینان و علم عادی می‌باشد. طبق ماده ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: علم قاضی عبارت از یقین حاصل از مستندات بین در امری است که نزد وی مطرح می‌شود. در مواردی که مستند حکم، علم قاضی است، وی موظف است قرائن و امارات بین مستند علم خود را به طور صریح در حکم قید کند.

۵-۶-۲- علم حصولی یا علم حاصل از ادله

علمی است که از طریق قرائن و امارات حاصل می‌شود مانند نظریه کارشناس، تحقیق محلی، گزارش ضابطین و...

۵-۶-۳- علم شخصی و یا حضوری

علمی است که خارج از پرونده و شخصا برای قاضی از طریق مشاهده و شنیدن حاصل می‌شود. مانند این که قاضی خود در صحنه جرم وجود داشته باشد و مشاهده نماید.

۵-۶-۴- علم قاضی و خلاف بودن ادله

اصل بر علم قاضی است و هدف ارائه ادله برای رفع جهل و تردید علم قاضی است بنابراین حجیت و اعتبار ادله منحصر به مواردی است قاضی علم به موضوع نداشته باشد. ماده ۲۱۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ این گونه بیان می‌کند که در صورتی که علم قاضی با ادله قانونی دیگر در تعارض باشد اگر علم، بین باقی بماند، آن ادله برای قاضی معتبر نیست و قاضی با ذکر مستندات علم خود و جهات رد ادله دیگر، رای صادر می‌کند. چنانچه برای قاضی علم حاصل نشود، ادله قانونی معتبر است و براساس آن‌ها رای صادر می‌شود.

نتیجه

جهت اثبات جرم در دعاوی کیفری می‌بایست دلایلی ارائه داده شود تا جرم به اثبات برسد در غیر این حالت اصل بر عدم وجود جرم خواهد بود. ادله اثبات دعوی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ پیش‌بینی شده است. در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، قانون‌گذار برای اولین بار ادله اثبات جرم را به عنوان حکم کلی قوانین ماهوی گنجانده است. البته این بدعت منحصر به اثبات جرم نیست، این بدعت را در مورد مرور زمان نیز می‌توان مشاهده کرد که یک هنجار صوری محسوب می‌شود. قانون‌گذار اسلام برای ایجاد تحولی اساسی در حقوق کیفری متقدم اسلام، نه تنها بسیاری از احکام اساسی، به‌ویژه احکام مربوط به حقوق جزای عمومی را تغییر داد، بلکه از منظر بنیادی، احکام رسمی را نیز مطرح کرد. اگرچه

قواعد اثبات جرایم در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ یکی از نوآوری‌های قانون فوق نسبت به قوانین قبلی است. اما به نظر می‌رسد با ادامه حیات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، هم از نظر نحوه برخورد دادگاه‌ها با موضوع دلیل و هم از نظر نظری و تفاسیر حقوقدانان در مورد جایگاه دلیل در حقوق جزای اسلامی مشکلاتی را به همراه خواهد داشت.

مهم‌ترین چالش نظام ادله علمی در حقوق کیفری ما موضوعیت ادله است که متأسفانه قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به آن تصریح کرده و طبق آن قاضی ملزم به صدور حکم براساس آن می‌باشد خواه از این ادله علم حاصل شود یا نشود (مگر این که علم به خلاف آن داشته باشد). نتیجه موضوعیت، کم رنگ شدن نقش ادله علمی در برخی از جرایم است، جرایمی که دارای شاکی خصوصی است و حق الناس و حقوق عمومی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. شهادت و اقرار (به عنوان ادله شرعی) نشانه و اماره هستند و اماره طریقی است به کشف واقعیت. بنابراین نمی‌توان در تعارض ادله علمی با ادله شرعی به استناد موضوعیت از نظریه کارشناس چشم پوشی کرد زیرا کاشفیت ادله علمی از واقع و علم‌آوری آن برای قاضی بیشتر است.

پیشنهادها

در جهت عدم الزام قاضی به صدور حکم براساس موضوعیت ادله پیشنهاد می‌گردد به اصلاح قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بر حذف موضوعیت ادله. تکمیل لایحه حریم خصوصی و تصویب آن. در تدوین لایحه حریم خصوصی تعریف، مصادیق آن، حدود و شرایط دخالت و نقض حریم خصوصی، افراد مجاز به مداخله، اجبار به انجام آزمایش و ضمانت اجرای ممانعه تعیین تکلیف گردد.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

- آخوندی، محمود، ۱۳۹۰، **آئین دادرسی کیفری**، جلد دوم، چاپ شانزدهم، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- آشوری، محمد، ۱۴۰۰، **آئین دادرسی کیفری**، جلد دوم، چاپ بیست و یکم، تهران، انتشارات سمت.

- خالقی، علی، ۱۳۹۰، **آئین دادرسی کیفری**، چاپ سیزدهم، تهران، انتشارات شهردانش.

Legal Civilization

No.17- Winter 2024

ISSN: 2873-1841
ISSN: 2873-1922

- An Investigation of the Necessity to Disclose the Existence of Contract in Third Party Funding in International Arbitration and Privilege
Mohammad Mahdi Asadi
- Aggravated Qualities of Crime in Iranian Criminal Law
Mohammad Kamali, Mohammadbagher Basir
- The Foundations of Natural Rights in John Locke and Its Impact on the Convention on the Rights of the Child
Mohamad Mahdi Davar, Saeideh Taslimi
- Decriminalization; an Attitude to Prevent the Persistence of Juvenile Delinquency
Mohammad Javanbakht, Parisa Karimej, Mohaddeseh Sadeghian Lamraski
- Examining the Concept of the Holder of a Commercial Document
Sara Farzadimehr, Shapoor Mohammadhosseini, Mohammadreza Haghighi
- The Effect of Islamic Lifestyle in the Prevention of White-Collar Crimes: Legal and Jurisprudential Analysis
Maryam Kamaei, Zahra Ansarifar, Petter Gottschalk
- Methods of Resolving Disputes in FIDIC Contracts
Arman Yaghobi Moghadam, Mohammad Gholampor Vishkaei, Mohammad Yararshadi
- Examining the Analyzing the Evolution of the Criminal Phenomenon of Genocide in the Historical Context
Mohammad Javanbakht, Minoo Mohammadei, Kiomars Kalantari daroonkela
- The Role of the Judge in the Execution of Criminal Sentences in Deterrence and Individualization of Punishment
Zahra Nazari
- Criticism and Assessment of Managers' Responsibility for the Company's Tax Liabilities Based on the Legal Bill to Amend a Part of the Commercial Law and the Direct Taxes Law
Nima Rezaei, Mohammad Shojaei Far, Amirhasan Abolhasani
- Tax Crimes with an Approach to Penology in Iranian Law
Sayyedeh Faezeh Fatemi
- Competent Authority and Demand Title in Land Nationalization Lawsuits
Moslem Alahyari
- Executive Challenges of Children and Adolescent Rights Protection Offices Centered on the Role of Judge
Sayyed Mehdi Ahmadi, Nastaran Arzainan
- Environmental Responsibility of Multinational Companies in the Oil Industry with Emphasis on the "Polluter Pays" Principle
Hadi Masoudifar, Fatemeh Naeimi Shamel
- The Impact of Restorative Justice and Criminal Policy on Sexual Victimization of Children (from Protection to Rehabilitation)
Sayyed Hossein Dehghan Naycri, Maryam Mosaferi
- The Right to Self-Determination as one of the Basic Human Rights Regarding Transgender People (with Emphasis on the Decree Issued by the 13th Branch of the Court of Appeal of Mazandaran Province)
Mohammad Saeid Hosseini, Heshmat Rostami Daroonkela, Mohammad Mehdi Saki, Fatemeh Dehghan, Abbas Rezaei Gilani4
- Protection of the Cultural Rights of Prisoners in International, Regional Instruments and Iranian Legal System
Marjan Negahi Mokhlesabadi
- Analysis of the Tax Law System Governing Commercial Companies
Parisa Rezvan, Ali Zare
- Human Dignity in Criminal Law and International Documents
Mohammad Amin Ebrahimi
- The Role of Government-Owned Property in Promoting Economic Goals: Analysis of Laws and Examination of Obstacles and Solutions
Elham Derki, Ayda Mokhtarch, Behnam Rastegari
- Subjectivity and Proof of Crime in the Islamic Penal Code Approved in 2012
Sadegh Banitarafian Havizavi
- The Differential Criminal Policy of the Armed Forces Law against the Sale of Military Property and Objects
Yasser Shakeri